

**توجه:** پاسخ‌های ارائه شده معمولاً مفصل‌تر از مقدار لازم است. دلیل این کار آشنایی بیشتر با موضوع می‌باشد. بنابراین در هنگام نوشتن پاسخ در برگه امتحانی به اختصار پاسخ دهید.

سوال‌ها در هشت بخش است:

۱- کلیات ۲- یهود ۳- مسیحیت ۴- زرتشت ۵- فرق اسلامی و زمینه‌ها ۶- شیعه ۷- فرقه‌های شیعه ۸- اهل سنت

## (۱) کلیات

### ۱- تعریف دین را بیان کنید.

دین، عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران (ع) از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند. دانستن این عقاید و انجام این دستورها سبب خوشبختی انسان، در دو جهان است

### ۲- چرا در قرآن کریم هیچ گاه دین با صیغه جمع نیامده است؟

زیرا اصول فکری و عملی که پیامبران به آن می‌خوانده‌اند یکی بوده، و همه آن‌ها مردم را به یک شاهراه، هدایت و به سوی یک هدف مقدس، دعوت می‌کرده‌اند؛ اختلاف شرایع و قوانین جزئی در جوهر و ماهیت این راه که نامش در منطق قرآن «اسلام» است تأثیری نداشته است.

### ۳- چرا ادیان در شرایع و مناسک اختلاف دارند؟

ادیان الهی در اصل دیانت که همان اسلام باشد اشتراک داشته و تفاوت آن‌ها تنها در مذاهب و شرایع امت‌ها است؛ یعنی دستورهای جزئی و فروع عملی، متناسب با ابعاد طبیعی و مادی آدمی و خصوصیات فردی و قومی افراد به مقتضای زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، تغییر می‌یابند. این فروع جزئی که دلیل پیدایش شرایع گوناگون هستند، موجب کثرت در اصل دین نمی‌باشند.

## (۲) یهود

### ۱- یهودیان سلسله نسب خود را به چه کسی می‌رسانند؟

یهود، پیشینه خود را به حضرت ابراهیم (ع) می‌رسانند.

### ۲- مهم‌ترین اقدام حضرت داود و سلیمان (ع) چه بود؟

از اقدامات تاریخی و مهم حضرت سلیمان (ع) این بود که بنای معبد بیت المقدس را که شالوده‌اش توسط پدر بزرگوارش حضرت داوود (ع) پایه ریزی شده بود به پایان برد؛ و در کنار آن مذبح (قربانگاه) و زائر سراهایی نیز بنا کرد. سلیمان (ع) دستور داد تا صندوق عهد «لواح تورات» را در آن معبد و در داخل حرمی که به همین منظور درست کرده بودند قرار دهند.

### ۳- یهودیان توسط چه کسی قتل عام و اسیر و توسط چه کسی آزاد و رها شدند؟

شاهان قلدر و سفاک بابل به نام «نبوکد نصر» یا «بختنصر» حدود قرن ششم پیش از میلاد (۵۹۷ ق. م) به سرزمین «اورشلیم» یورش آورد و پس از تصرف اورشلیم یهودیان آن دیار را به اطاعت خویش وادار کرد. اما آن‌ها از فرمانش سرپیچی کردند. او بار دیگر، بیت المقدس را محاصره و پس از کشتار بی رحمانه، آن جا را فتح کرد و پس از غارت خزائن سلطنتی را به یغما برد و بیش از ده هزار تن از ثروتمندان و صنعتگران و بلکه همه کسانی که از مهارت و هنری برخوردار بودند را به اسارت گرفته و به بابل برد! پس از آن حدود

۱۰ سال بعد، حاکم دست نشانده اورشلیم با کمک فرمانروای مصر و فراهم کردن قدرت و قوای حکومتی، خود مختاری و استقلال خود را به بختنصر اعلام کرد. این بار نیز بختنصر با قوای بسیار مجهزتری به قصد قتل عام و نابودی یهودیان به سرزمین شان حمله کرد. این بار مراکز دینی و مذهبی آنان را به کلی نابود ساخت. صندوق عهد، مشتمل بر نسخه‌های اصلی الواح تورات در این یورش وحشیانه، مفقود گردید. این واقعه را مورخان به سال ۵۸۶ پیش از میلاد، ثبت کرده‌اند. افراد باقیمانده یهود، جملگی اسیر و به بابل برده شدند.

حدود نیم قرن، دوران اسارت و بردگی یهودیان در بابل، طول کشید، در حالی که آنان نه کتب مذهبی داشتند و نه معبدی برای عبادت تا این که پس از گذشت حدود پنجاه سال سرانجام به سال ۵۳۸ پیش از میلاد مسیح، کوروش پادشاه مقتدر هخامنشی ایران به بابل، حمله ور شد، و توانست سلطنت کلدانیان را منقرض و بابل را فتح کرده، اسیران یهودی را از اسارت و بردگی برهاند، گروهی از آنها به سرزمین «ایران» مهاجرت کردند، و تحت تأثیر برخی از تعالیم آیین ایرانیان آن روز یعنی «زرتشت» قرار گرفتند. اما گروه دیگری از آنان در همان بابل، باقی ماندند. و گروهی هم به فلسطین بازگشتند. کوروش شخصی به نام عزرا (غدیر)، که از عالمان برجسته بود و نزد یهودیان احترام والایی داشت را به سرپرستی آنها برگزید؛ و به او اجازه داده بود تا بار دیگر کتاب‌های مذهبی یهود را بنویسد و معابدشان را بنا کند.

### ۳) مسیحیت

#### ۱- دو معنای واژه مسیحیت را بنویسید.

مسیحیت، از واژه مسیح، روشن‌ترین لقب حضرت عیسی (ع) گرفته، و برای آن معنای متعددی ذکر شده است؛ ولی دو معنای زیر از همه، مشهورتر و مستعمل‌تر است:

الف- مسیح، مأخوذ از ماشیح است که واژه عبری و به معنای مسح و تدهین شده می‌باشد؛ زیرا یهودیان بر اساس یک سنت دیرینه، رهبران بزرگ سیاسی - اجتماعی و سلاطین را طی مراسمی با روغنی مقدس، مسح می‌کرده‌اند، تا به این وسیله، آنان تقدس و حرمتی والا یافته و واجب‌الاطاعة گردند. اما حضرت عیسی (ع) را مجازاً مسیح خوانده‌اند؛ زیرا توسط کسی با روغن، مسح نشده بود.

ب- مسیح (ماشیح) به معنای ناجی (نجات دهنده) است؛ زیرا که آمدنش را پیامبران بنی اسرائیل به ویژه حضرت یحیی (ع) به ملت یهود، نوید می‌دادند، هر چند بعد از ظهور به مخالفت و دشمنی با آن حضرت پرداخته، و پیامبری‌اش را از اساس مورد انکار قرار دادند.

#### ۲- بعثت حضرت مسیح (ع) چگونه آغاز شد؟ به اختصار توضیح دهید؟

مسیحیان می‌گویند حضرت یحیی، که از پیامبران زاهد یهود بود، مردم را در کنار رود «اردن» موعظه می‌کرد و آمدن «مسیح» را به آنها بشارت می‌داد. وی از مردم می‌خواست که توبه کنند و دست از گناه بردارند. شیوه کار وی چنین بود که پس از فراخواندن مردم به توبه، آنان را که دعوت او را پذیرا شده و مهیای توبه کردن می‌گشتند، در رود اردن، غسل می‌داد. البته غسل او دارای آداب مخصوصی بود که به «غسل تعمید» شهرت دارد؛ و به همین سبب حضرت یحیی را «یحیای تعمید دهنده» لقب داده‌اند.

عیسی نیز از «جلیل» نزد یحیی آمده تا توسط او غسل تعمید داده شود. ولی یحیی به او گفت: این منم که باید از تو تعمید بگیرم. اما عیسی (ع) گفت: مرا تعمید بده، چون با این کار، دستور خدا را انجام می‌دهم؛ یحیی پذیرفت، و او را غسل تعمید داد. پس از تعمید، همان لحظه که عیسی از آب، بیرون آمد، مکاشفه‌ای عجیب به وی دست داد. به این نحو که طبق نقل انجیل، آسمان به رویش گشوده شد و روح خدا (جبرئیل) را دید که همچون کبوتری شتابان به سویش در حرکت است. در این هنگام ندایی از آسمان به گوشش رسید که این است پسر حبیب من که از او خشنودم! این مکاشفه و مکالمه غیبی، آغاز رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) به شمار

می‌رود. پس از این مکاشفه، آن حضرت، به بیابان‌های اردن رفت و به ریاضت، روزه داری و عبادت معبود خویش پرداخت و نیز درباره رسالت خطیر و وظیفه سنگینی که از این پس در زمینه هدایت خلق و اصلاح جامعه بر عهده‌اش نهاده شده بود به تفکر، مشغول گردید. به روایت منابع مسیحی، دوران ریاضت، روزه داری، تفکر و مراقبت عیسی (ع) در بیابان‌ها، مدتّ چهل روز طول کشید، که به دوره اربعین «چله» شهرت دارد.

### ۳- حواریون چند نفر بودند؟ ۴ نفر از آنها را نام ببرید.

تبلیغ، تعلیم و موعظه‌های عیسی (ع) باعث شد گروهی از یهود و غیر یهود به او ایمان آورند. او از میان ایمان آوردگان ۱۲ نفر را به شاگردی و هم نشینی خود برگزید که همواره با او بودند و سخنان او را شنیده و کردار و رفتار او را با چشم می‌دیدند تا تعالیم او را در جهان سراسر، منتشر سازند. این دوازده تن را «حواریون»، لقب داده‌اند و مسیحیان آن‌ها را «رسولان» می‌دانند؛ و طبق مندرجات کتاب رسولان، انتشار مسیحیت توسط آن‌ها انجام گرفته است. اسامی آن‌ها عبارت است از:

۱- شمعون (معروف به پطرس) ۲- آندریاس (برادر پطرس) ۳- یعقوب (پسر زبّدی) ۴- یوحنا (برادر یعقوب) ۵- فلیپ (فلیپس) ۶- برتولما (بارقوله) ۷- توما ۸- متّا (باجگیر معروف) ۹- یعقوب (پسر حلفی) ۱۰- تدّی (لبی) ۱۱- شمعون قانونی ۱۲- یهودای اسخریوطی هر چند نظر انجیل درباره حواریون، ضدّ و نقیض بوده و از لغزش آنان حتّی پطرس رئیس حواریون، و بلکه مورد انکار قرار دادن عیسی (ع) توسط آنان خبر داده است، ولی قرآن کریم، حواریون را - صرف نظر از نام و نشان آنان به ترتیبی که در انجیل آمده است - می‌ستاید و آن‌ها را در ایمان و اعتقادشان و نیز وفاداری نسبت به عیسی (ع) ثابت و استوار، معرفی می‌کند:

## ۴) زرتشت

### ۱- مطابق روایت اوستا زرتشت در چه تاریخی تولد یافت؟

زمان تولد: درباره زمان تولد زرتشت نیز اختلاف است.

نظریه سنتی زرتشتی: بنابر این نظریه، مطابق آنچه در اوستای کنونی آمده، زمان تولد زرتشت بین سال‌های ۶۶۰ تا ۵۸۳ پیش از میلاد بوده است. مهم‌ترین مستند و مدرک طرفداران این نظریه آن است که پادشاه پذیرنده و پشتیبان آیین زرتشت به نام «گشتاسب» یا «کوی ویشتاسب» یا «ویشتاسب» با نام پدر داریوش هخامنشی یکی بود و این که ویشتاسب، پدر داریوش هم فرمانروای شرق ایران و خراسان بوده است. ولی این نظریه را بیشتر اوستاشناسان، مردود دانسته.

نظریه مهمّ دیگری - که به نظر می‌رسد صحیح هم باشد - مبتنی بر شواهد و مدارک زبان‌شناسی و تاریخی وجود دارد این است که امروزه برای پژوهشگران و اوستاشناسان، کم و بیش روشن است که وداها متعلق به ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ پیش از میلاد مسیح است؛ ناگزیر اوستا هم باید مربوط به همین دوره باشد.

### ۲- کهن‌ترین بخش اوستا چه نام دارد؟

کتاب مقدّس زرتشتیان «اوستا» نام دارد، که به معنای اساس، بنیاد و متن اصلی است. «گاتاها» که نام کهن‌ترین بخش اوستا است، سرودهای آسمانی زرتشت را گویند و به «گاهان پنج‌گانه» یا پنج سرود زرتشت، شهرت دارد. همه پژوهشگران و اوستاشناسان، فقط این گاتاها «سرودهای پنج‌گانه» را منسوب به زرتشت می‌دانند و آن را تنها منبع قابل اعتماد برای شناسایی پیام زرتشت، معرفی می‌کنند و بقیه قسمت‌های اوستا را تهیه و تدوین شده در ادوار بعد می‌دانند. بخشی از مندرجات گاتاها چنین است: اهورا مزدا، یگانه

آفریدگار است. از اوست آنچه نیک و نغز است. دیوها (گروه پروردگاران آریاییان کهن) سزاوار ستایش نیستند. اندیشه، گفتار و کردار نیک، مایه رستگاری است. و سهمگین‌ترین دشمن مردم، «دروغ» است.

### ۳- «یشت»ها به چه معناست و فرق آن با «یسنه» چیست؟

اوستا از پنج بخش تشکیل شده است:

- ۱- «یسنه» یا «یسنا» به معنای نیایش و ستایش، نام مهم‌ترین بخش اوستا و مشتمل بر هفتاد و دو فصل است که هر یک از آن‌ها را «ها» یا «هات» یا «هائتی» گویند. گاهان پنج گانه، تنها قسمت منسوب به زرتشت در همین بخش اوستا، قرار دارد.
- ۴- «یشت‌ها»، «یشت» مانند «یسنه» به معنای ستایش و نام بخشی از اوستاست که در ستایش ایزدان می‌باشد.

## ۵) فرق اسلامی و زمینه‌ها

### ۱- آیا تنها شیعه علی علیه السلام گروه رستگار است؟ چرا؟

در منابع شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت از افتراق و جدایی امتش خبر داده و فرموده که از میان آنان فقط یک گروه رستگارند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امت موسی بعد از او به ۷۱ دسته و گروه متفرق شدند که یک دسته رستگار و ۷۰ فرقه در آتشند و امت عیسی بعد از او به ۷۲ فرقه مختلف شدند که یک گروه اهل نجات و ۷۱ فرقه در آتشند و به زودی امتم پس از من به ۷۳ فرقه متفرق گردند که یک گروه رستگار و ۷۲ دسته دیگر در آتش خواهند بود.

باید به دیگر سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز توجه نمود و از آنها به عنوان «قرینه منفصله» استفاده کرد و مراد جدی آن حضرت را در مورد گروه رستگار به دست آورد. جابر بن عبدالله می‌گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که دیدیم علی علیه السلام به طرف ما می‌آید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست همانا این (مرد) و شیعیانش رستگاران روز قیامتند. حدیفة ابن اسید غفاری می‌گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع برگشت، در سرزمین جحفه علی علیه السلام را به عنوان خلیفه بعد از خود به حجاج معرفی کرد، سپس فرمود: ... فردای قیامت در مورد ثقلین از شما سؤال خواهم کرد. آنان گفتند: ای رسول خدا ثقلین چیست؟ فرمود: اما ثقل اکبر کتاب خدای عزوجل است؛ وسیله‌ای از سوی خدا و من در نزد شما ... و اما ثقل اصغر که ملازم قرآن است علی بن ابی طالب و عترتش است، این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند....

بنابراین از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، رها کردن هر کدام از قرآن یا عترت و تمسک به دیگری، ضلالت و گمراهی قطعی را به دنبال دارد. و شکی نیست که شیعه امامیه در اصول و فروع به قرآن و سخنان علی علیه السلام و ذریه‌اش بسنده می‌کند و به جای استناد به گفتار صحابه، فقط به سخنان اهل بیت پیامبر استدلال می‌کند. بنابراین گروه رستگار شیعیان علی علیه السلام هستند.

## ۲- اگر اهل سنت همان گروه رستگار باشند، چه پیامدی به دنبال دارد؟

اهل سنت بر این گفته اتفاق دارند که ایمانی که سبب نجات از آتش است عبارت است از: اعتقاد به توحید، نبوت، معاد و انجام نماز، حج، جهاد، روزه‌داری ماه رمضان و پرداخت زکات و خمس. بدیهی است که شیعه در این مطلب با آنان موافق است؛ فقط علاوه بر آن به موجب حدیث ثقلین، منزلت، سفینه و غیر اینها به ولایت و امامت عترت پیامبر نیز معتقد و ملتزم است. پس اگر گفته شود گروه رستگار، اهل سنت هستند شیعه نیز در گروه رستگار قرار می‌گیرد، زیرا در اصول و فروع با آنان موافق است و از معیار رستگاری آنان بهره‌مند است در حالی که عکس این مطلب تمام نیست. علاوه بر آن، گفتن اینکه اهل سنت گروه رستگار هستند، مستلزم این است که همه فرقه‌ها یا بیشتر آنان رستگار باشند در حالی که حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله از میان هفتاد و سه فرقه فقط یک دسته و گروه را اهل نجات معرفی می‌کند و این خود بیانگر کافی نبودن معیار رستگاری اهل سنت نیز هست. بنابراین آنها که سنت پیامبر را فقط از مکتب اهل بیت فراگیرند نجاتشان قطعی و مورد اتفاق است.

## ۳- علل و زمینه‌های تفرقه مذهبی بعد از پیامبر ﷺ در میان مسلمانان را نام ببرید.

**الف** - زمینه‌های موجود در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله اجتهاد بعضی از اصحاب در مقابل پیامبر است که تاریخ اسلام به صراحت موارد آن را بیان کرده است. مانند:

- ۱- مخالفت عمر با صلح حدیبیه پس از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیبیه، صلح را بر جنگ ترجیح داد.
- ۲- جلوگیری خلیفه دوم از نوشتن وصیت رسول خدا در آخرین لحظات عمرش. عمر گفت: نزد ما کتاب خداست که برایمان کافی است.

**ب** - زمینه‌های موجود پس از پیامبر صلی الله علیه و آله:

- ۱- جداسازی قرآن از عترت
- ۲- ممنوعیت نقل و کتابت حدیث: بدیهی است که ثبت و ضبط علوم و انتقال آن به آیندگان به وسیله نوشتن انجام می‌گیرد. خود پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌داده که سخنانش را یادداشت کنند. این موضوع تأثیر بسزایی در پیدایش مذاهب گوناگون و برداشت نادرست آنان از مسائل دینی داشت. بدین ترتیب ممانعت از نقل و نوشتن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت یک سنت اسلامی درآمد و تا عصر عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) ادامه داشت.
- ۳- جعل حدیث: در سال ۱۴۳ هجری دوران خلافت منصور، نهضتی بزرگ برای تدوین و نشر احادیث نبوی صلی الله علیه و آله پایه‌ریزی گردید. رندان دنیاپرست از طریق جعل حدیث، برای خود مقام و موقعیتی کسب کنند و به کرسی استادی تکیه زنند. تا آنجا که محمد بن اسماعیل بخاری متولد ۱۹۴ هجری، از میان ششصد هزار حدیث، چهار هزار آن را معتبر دانسته و در صحیح خود نوشته است.
- ۴- اجتهاد در برابر نص: صحابه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، با فرامین صریح و آشکار آن حضرت مخالفت ورزیدند و احکام خدا را تغییر دادند و در توجیهش، آن را به‌عنوان یک نظر اجتهادی قلمداد کردند. زمینه برای صاحبان هوی و هوس فراهم گردید تا به‌عنوان مجتهد بتوانند احکام خدا را مطابق خواسته‌های خود تفسیر کنند که نتیجه آن تولد نامشروع فرقه‌های کلامی و فقهی در دامن جامعه اسلامی بود. چند نمونه:

با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای مستحبی را در ماه رمضان فرادا به جا می آورد و در زمان ابو بکر هم مسلمانان همین گونه عمل می کردند، اما خلیفه دوم دستور داد نمازهای نافله ماه رمضان را به جماعت بخوانند که به «صلاة التراويح» معروف است.

مورد دیگر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: هر که تو را فحش و ناسزا گوید، به من گفته است .... اما معاویه دستور داد بالای منابر و در قنوت نماز، حضرت امیر علیه السلام را لعن و نفرین کنند! بعضی از علمای اهل سنت گفته اند: معاویه مجتهد بود و این نوع کارها دلیل بر فسقش نیست .

حج تمتع و متعه زنان را قرآن تشریح کرده و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر، صحابه به آنها عمل کردند ، اما بعدا خلیفه دوم با هر دو مخالفت کرد . ابوقلابه از خلیفه دوم نقل می کند که گفت : دو متعه در زمان پیامبر بود، من از آن دو نهی می کنم و هر که مرتکب شود او را می زنم: متعه زنان و متعه حج.

گفتنی است اجتهاد عالمان و فقیهان به معنای استنباط احکام فروع از اصول در مواردی مشروع و صحیح است که دین اسلام حکم صریحی در آن باره نداشته باشد. از عبارت خلیفه دوم استفاده می شود که او به مشروعیت دو متعه در زمان پیامبر اعتراف داشت، جز این که انجام آنها برای ایشان ناخوشایند بوده است. با وجود این اجتهادات که نمونه هایی از آن را یادآور شدیم چگونه ممکن است فرق و مذاهب مختلف در جامعه رشد نکند و آیا مذهب سازی جز براساس این است که آیات و احادیث را به گونه ای معنی کنیم که خواسته و مختار ما را تأیید کند.

**۵- نفوذ فرهنگ ها و افکار بیگانه :** با ممنوعیت نقل حدیث و ضایع شدن عترت پیامبر، از دو راه در میان تعالیم اسلام سرایت و نفوذ کرد و زمینه ای دیگر برای رشد مذاهب و فرقه ها به وجود آمد:

**الف- از راه عالمان اهل کتاب؛** علمای اهل کتاب تظاهر به اسلام کردند و توانستند افسانه های تورات و انجیل تحریف شده را در بین مسلمان ها منتشر کنند. در زمانی که شخصیت هایی همچون ابوذر به خاطر نقل کلام پیامبر صلی الله علیه و آله تویخ و تبعید می شدند، به افرادی همانند کعب الاحبار، وهب بن منبه و تمیم بن اوس داری اجازه داده شد تا سرگذشت انبیای سلف را طبق نقل تورات محرّف برای مردم بازگو کنند. مردم از شنیدن قصه های آنان لذت می بردند و این خود بر رونق کارشان می افزود. آنان توانستند از این راه تعالیم یهود و مسیحیت را بین مسلمان ها پخش کنند. به عنوان نمونه، تفکر جسمیت خدا که از آموزه های تورات محرّف است در تفاسیر و کتب صحاح وارد شد و خدای مسلمان ها همانند خدای یهودیان دست کم در آخرت قابل دیدن شد. گرایش به جبر و بحث حدوث و قدم قرآن از دیگر نمونه هایی است که توسط عالمان اهل کتاب در فرهنگ مسلمانان و کتبشان وارد شد. همچنین مفسرین، سخنان آنان را درباره آفرینش آدم و حوا و کیفیت آفرینش جهان به عنوان شرح آیات قرآن در تفسیر وارد کردند. آنچه به نام اسرائیلیات خوانده می شود همین تعالیم و داستان سرایی های عالمان یهود و نصاری است که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تظاهر به اسلام کردند و با انواع تملق توانستند در نزد خلفا مقام و منزلتی کسب کنند و حتی بعضی از آنها مانند کعب الاحبار توانستند به عنوان مفتی در دستگاه عثمان نفوذ کنند و در آنجا به انجام وظیفه پردازند.

**ب - از راه ترجمه:** نفوذ افکار یونانی زمینه ساز پیدایش فرقه های کلامی بود. بخشی از آنها با آموزه های توحیدی اسلام ناسازگار بود. پاسخی که اندیشمندان مسلمان به شبهات تازه وارد می دادند متفاوت بود و این خود بیش از پیش زمینه ساز پیدایش مسلک ها و مذاهب های گوناگون گردید. در این میان، امامان اهل بیت علیهم السلام افرادی همچون هشام بن حکم،

ابان بن تغلب، ابو جعفر مؤمن الطاق و ... را تربیت کردند تا بتوانند براساس اصول صحیح و با منطقی قوی با اندیشه‌های ضد دینی مبارزه کنند. شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام در عصر ترجمه، قوی‌ترین افرادی بودند که می‌توانستند با اندیشه‌های الحادی افرادی همانند «ابن ابی العوجاء» مناظره کلامی بنمایند.

## ۶) شیعه

### ۱- معنای شیعه چیست؟ بیان کنید.

«شیعه» که در لغت، به معنای «پیرو و تابع» است. در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیامبر اکرم (ص) را حق اختصاصی خاندان پاک رسالت (ع) دانسته و در اعتقادات و احکام و سایر معارف اسلامی، پیرو مکتب اهل بیت آن حضرت (ع) می‌باشند. زیرا اصول عقاید شیعه همان اصول عقاید اسلام است که اگر مسلمانی از روی علم و عمد آن‌ها را نپذیرد و باور نکند از اسلام و مسلمانی بکلی خارج است. آنچه طرح و تبیینش در این جا ضروری است عقیده ویژه مذهب شیعه است.

### ۲- مهم‌ترین مسأله دینی - مذهبی شیعه چیست؟

از جمله نصوص قرآنی، آیه تبلیغ است که بر امامت حضرت علی (ع) دلالت صریح دارد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

ای پیامبر، آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر این کار را نکنی رسالت او را انجام‌نداده‌ای و خداوند تو را از (دسیسه‌های برخی از) مردم نگاه می‌دارد و خداوند کافران را (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

با توجه به این که آیات سوره مائده (از جمله این آیه) در آخر عمر رسول اکرم (ص) نازل شده و نیز با توجه به لحن خاص آیه، که با تأکیدهای بسیاری همراه است و به ویژه تأکید و تهدید بر این که عدم انجام مأموریت محوله مساوی با عدم تبلیغ رسالت می‌باشد، همه از یک مسأله مهم و پیام سرنوشت‌سازی که تا آن هنگام ابلاغ نشده بود، خبر می‌دهد که آن مسأله امامت و جانشینی پیامبر (ص) بوده است. توضیح آن که به اعتراف مفسران و مورخان بزرگ اسلامی، از سنّی و شیعه، آیه مزبور (و آیه ۳ همین سوره) در غدیر خم، در بازگشت از حجةالوداع، بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده و طبق این آیه و دستورات پیاپی خداوند توسط جبرئیل، آن حضرت مأمور به تعیین جانشین و معرفی او گردیده بود. برای انجام این مهم و ابلاغ این پیام سرنوشت‌ساز الهی، پیامبر (ص) دستور داد تا همه حجّاج در غدیر خم - جایی که تمامی کاروان‌های حجّاج مناطق گوناگون از هم جدا می‌شدند - توقف کنند و خود بالای منبری، که از چهار شتران مهیا کرده بودند، رفت و طی خطبه آتشینی، حضرت علی (ع) را با فرمان الهی به جانشینی بلافصل خود برگزید و از مسلمانان برایش بیعت گرفت. همه مسلمانان، به ویژه شیخین (ابوبکر و عمر)، با امیرمؤمنان علی (ع)، به عنوان امام و جانشین بلافصل پیامبر اسلام (ص)، بیعت کردند و این مسؤولیت مهم و منصب الهی را به ایشان تبریک گفتند.

### ۳- چرا حضرت علی (ع) شایسته‌ترین فرد برای جانشینی پیامبر ﷺ بود؟

الف- یکی از وظایف مهم پیامبر (ص) این بود که آیات قرآن را برای مسلمانان تبیین نماید و احکام دینی مربوط به موضوعات گوناگون را بیان کند. ولی به گواهی روشن تاریخ، آن حضرت مجال نیافت تا به تفسیر قرآن و تبیین احکام نورانی آن بپردازد. گواه بر این، تعداد اندک روایاتی است که از آن حضرت در این زمینه نقل شده است. از این رو، باید این کار توسط جانشین وی تکمیل می‌شد؛ یعنی: کسی که رابطه نزدیکتری با پیامبر اسلام (ص) داشته و در خلوت و جلوت با او بوده و پیامبر (ص) همه احکام و معارف قرآن و اسلام را به او آموخته است. روشن است که چنین کسی باید از مقام عصمت الهی برخوردار باشد تا در دریافت، حفظ و نقل احکام الهی

دچار خطا نگردد.

ب - در میان صحابه پیامبر (ص)، برای کسی جز حضرت علی (ع) ادعای عصمت همه جانبه نشده است.

روشن است با وجود شخصیتی چون حضرت علی (ع)، که دارای عصمت همه جانبه بوده و نیز همه فضایل اخلاقی و کمالات روحی و معنوی در او جمع و سرآمد همه صحابه در تمام این جهات بود، تنها او شایستگی جانشینی پیامبر (ص) را داشته و پذیرش امامت غیر او دور از عقل و منطق است.

## ۷) فرقه های شیعه

### ۱- آیا رهبر مذهبی زیدیه (زید بن علی بن حسین (ع))، ادعای امامت داشت؟ چرا؟

یکی از فرقه های مذهبی مهم شیعه، زیدیه است که در یمن و لبنان پیروانی دارد. آنان خود را پیرو زید شهید فرزند امام سجاد علیه السلام می دانند و او پس از حضرت امیر علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام، امام آنان شمرده می شود: او در سال هشتاد هجری متولد شد و علیه هشام بن عبدالملک در کوفه قیام کرد و توسط یوسف بن عمر والی کوفه در سن ۴۲ سالگی در سال ۱۲۱ هجری به شهادت رسید. زید به عنوان فردی که در مکتب امامان اهل بیت علیهم السلام رشد کرده و پرورش یافته بود به امامت آنان معتقد بود و ایشان را جانشین جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می شناخت.

از روایاتی هم که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام در ستایش و تمجید زید وارد شده استفاده می شود که او ادعای امامت نداشت و نهضتش تنها برای انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی جدش امام حسین علیه السلام بود، جز این که چون امام باقر و صادق علیهما السلام قیام نداشتند، گروهی خیال کردند که زید مخالف ایشان است و مردم را به امامت خودش فرا می خواند در حالی که می شود گفت حتی قیام زید به دستور امام باقر علیه السلام انجام گرفت.

### ۲- فرقه اسماعیلیه، چند امامی هستند؟

اسماعیلیه معتقد به امامت اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام هستند. اسماعیل در زمان پدرش از دنیا رفت؛ و امام صادق علیه السلام بارها مردم و شیعیان را بر این امر گواه گرفت و وفات اسماعیل را متذکر شد، با این حال پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی به امامت وی معتقد شدند. البته اسماعیلیه در مورد سرنوشت امامت پس از اسماعیل اتفاق نظر ندارند. این گروه نه تنها از اهل بیت پیامبر علیهم السلام فاصله گرفتند بلکه از اسلام خارج شدند و از روی مسامحه از فرقه های منسوب به تشیع شمرده می شوند.

### ۳- غلات به چه کسانی گفته می شود؟

غلو در اصطلاح علم کلام، تجاوز کردن از عقیده صحیح نسبت به پیشوایان دینی است به گونه ای که آنان را از حد خود بالاتر برده و مقام و مرتبه ای را که دارای آن نیستند برایشان معتقد شوند.

عقاید افراطی و غلوآمیز، سابقه دیرینه داشته و به خصوص در قرآن، اهل کتاب از آن نهی شده اند که به چند مورد اشاره می شود:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ بْنُ اللَّهِ»

و یهود گفتند که عزیر پسر خداست.

و در خطابی به اهل کتاب گفته شده:



« يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح عيسى بن مريم رسول الله و كلمته »

ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا غیر از حق نگوئید. مسیح، عیسی پسر مریم فقط فرستاده خدا و کلمه (آفریده) اوست.

در بین مسلمانان نیز غالیاً پیدا شدند که به الوهیت یا پیامبری حضرت امیر علیه السلام قائل شدند و برخی از غلات درباره امامان دیگر یا رهبران خود غلو کردند.

#### ۴- اهل حق چه کسانی هستند و مهم‌ترین اصول عقاید آنان چیست؟

از غلات معاصر می‌توان از اهل حق نام برد که در ایران، ترکیه، هندوستان، پاکستان و افغانستان به سر می‌برند و تعدادشان تا بیش از سه میلیون نفر تخمین زده شده است. اهل حق خود به دو فرقه چهل‌تنان و هفت‌تنان تقسیم می‌شوند. به عقیده آنان چهل‌تنان و هفت‌تنان از جمله موجودات پاک و نورانی و از یاران خدا می‌باشند که قبل از خلقت آدم علیه السلام و سایر موجودات آفریده شده‌اند و پس از آن که با خدا عهد و پیمان بسته‌اند که بشر در دنیا از راه حق منحرف نشود بنا به خواهش آنان خداوند آدم علیه السلام را آفرید.

#### اصول عقاید اهل حق

**حلول و تناسخ** از مهم‌ترین اصول عقاید این فرقه است. بنا بر عقیده اهل حق، خداوند در هفت جامه یا هفت تن پاک حلول کرده علاوه بر این ممکن است در هر تن پاک دیگری نیز جلوه کند و این افراد پیشوایان اهل حق می‌باشند. تناسخ در نظر اهل حق عبارت از این است که روح پس از مرگ بی‌درنگ از بدنی به بدن دیگر داخل می‌شود.

#### موضع‌گیری ائمه علیهم السلام در برابر غلات:

باید توجه داشت که خداوند جسم نیست و حلول و اتحاد برای ذات مقدس او محال است و اگر صدور کار خارق‌العاده از علی علیه السلام یا دیگر امامان، دلیل خدایی آنان باشد باید پیامبرانی همچون حضرت موسی و عیسی علیه السلام نیز خدا باشند چرا که آنان نیز دارای معجزات بودند. احادیث فراوانی از ائمه علیهم السلام در نکوهش غالیان صادر شده و علی علیه السلام فرموده: پروردگارا! من از غلات بیزارم همان‌گونه که عیسی بن مریم از نصاری (قائلین به الوهیت عیسی) بیزار بود.

#### ۵- بنیانگذاران اصلی فرقه ضالّه بابی و بهائی چه کسانی هستند پیرامون آن به اختصار توضیح دهید؟

فرقه معاصر و ضالّه بهائیت ادامه و تکمیل یافته فرقه دیگری به نام بابیه است که در قرن سیزدهم هجری، در ایران توسط فردی به نام «علی محمد شیرازی» (باب) و تحت تأثیر عقاید شیخیه تأسیس گردید. فرقه بهائیت پس از مرگ علی محمد باب، توسط «میرزا حسینعلی نوری» معروف به بهاء‌الله که خود از پیروان باب بود، بر پایه عقاید باب و با افزودن اصول و احکام و عقایدی دیگر، تأسیس گشت.

علی محمد در کربلا با چند تن از شاگردان سیدکاظم رشتی و عقاید و افکار شیخیه آشنا گردید و جذب اندیشه‌های آنان شد. و پس از مرگ سیدکاظم در سال ۱۲۵۹ هجری، مدعی جانشینی او شد و خود را «باب» نامید. علی محمد باب از شیخیه جدا شده و به قصد تبلیغ مرام خود به زادگاهش، شیراز بازگشت. بدین ترتیب فرقه بابیه در سال ۱۲۶۰ هجری شکل گرفت. با عزیمت مبلغین بابیه به شهرهای مختلف عده‌ای از مردم ساده‌لوح، داعیه باییت او را باور کرده و به آنها پیوستند. همزمان با پیشرفت این فرقه و افزایش شمار پیروان آن، داعیه علی محمد باب نیز بالا می‌گرفت. وی که تبلیغ خود را با ادعای باییت شروع کرده بود، اندکی بعد مدعی مهدویت شد؛ سپس ادعای پیامبری کرد و خود را به عنوان پیامبری که از جانب خدا به او وحی می‌شود، معرفی کرد. کتابی نیز با نام «بیان» نوشته و

به عنوان کتاب مقدس و آسمانی که از طریق وحی به او رسیده است، به مردم معرفی کرد. علمای امامیه با حکم به ارتداد علی محمد باب، از دستگاه حکومتی خواستند، تا در برابر اقدامات باب و پیروانش واکنش نشان دهد. پس از آنکه بسیاری از پیروان وی، در شهرهای مختلف به فتنه‌گری و آشوب و قتل و آزار و غارت مردم دست زده و سلب امنیت کرده بودند. شاه قاجار برای خاموش کردن آتش این فتنه‌ها تصمیم به اعدام باب گرفت.

«میرزا حسینعلی نوری» معروف به بهاء‌الله (۱۳۱۰-۱۲۳۳ ه. ق) در سال ۱۲۸۵ هجری فرقه «بهائیت» را در عکا تأسیس کرد. پس از تأسیس فرقه بهائیت به جانشینی علی محمد باب قانع نشده، ابتدا از مقام جانشینی باب به مقام بابیت رسید، سپس ادعای مهدویت کرد. آنگاه مدعی ولایت مطلقه شد. سپس از رسالت سر در آورد و آوردن شریعت جدیدی را اعلام نمود؛ آنگاه مدعی شد که خدا در او حلول کرده و مظهر خدا شده و خود را به عنوان «هیكل اعلی» معرفی کرد و سرانجام مدعی ربوبیت و الوهیت شد.

## ۸) اهل سنت

### ۱- فرقه وهابیت را به اجمال معرفی کنید.

در اواخر قرن هفتم ابن تیمیه از پیروان احمد بن حنبل به احیای مکتب او برخاست. علمای اهل سنت انکار فضایل علی علیه السلام و ذریه‌اش را دلیل دشمنی ابن تیمیه با علی علیه السلام دانسته‌اند و گفته‌اند: به دلیل این گفته پیامبر ﷺ به علی علیه السلام که «یا علی تو را جز منافق دشمن نمی‌دارد»، ابن تیمیه منافق است.

قرن‌ها سپری شد و با توجه به شخصیت منفی و مطرودی که ابن تیمیه در افکار و اذهان پیدا نمود، تعالیم و آموزه‌هایش در بوت‌ها فراموشی قرار گرفت تا این که نوشته‌های او به دست محمد بن عبدالوهاب افتاد. او در قرن دوازدهم برای احیای مکتب ابن تیمیه به پا خاست. مورخان نوشته‌اند که اساتید محمد بن عبدالوهاب، ضلالت و گمراهی را در چهره او حدس می‌زدند و پدرش که از علمای حنبلی بود به خاطر حرف‌های کفرآمیزی که از او می‌شنید بارها او را سرزنش کرد و اول کسی که در رد مسلک وی کتاب نوشت برادرش سلیمان بن عبدالوهاب بود. محمد بن عبدالوهاب با امیر شهر «درعیه» محمد بن سعود (جد اعلائی حاکمان فعلی عربستان) پیمان همکاری بست؛ بدین گونه که شیخ محمد برای توسعه و تحکیم حکومت وی از دین و مذهب مایه بگذارد و او نیز برای گسترش ریاست مذهبی او از نیروی نظامی استفاده کند. محمد بن سعود برای تحکیم پیمان، یکی از دختران شیخ محمد را برای پسرش عبدالعزیز خواستگاری نمود. این همکاری بین وهابیت و خاندان سعودی هم‌اکنون نیز ادامه دارد. شیخ محمد از میان تعالیم ابن تیمیه بیشتر مسأله زیارت قبور و توسل را مورد نظر قرار داد و اساس دعوت خود را بر محور توحید و شرک بنا نهاد؛ هر مسلمانی را که برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت یا به وی توسل می‌جست، مشرک نامید و بلاد مسلمین را بلاد شرک خواند و جهاد با آنان را واجب دانست تا به آیین وی بازگردند و بدین سان با کمک خاندان سعودی حرکت ویرانگری علیه مقدسات اسلامی آغاز شد. در سال ۱۳۴۴ هجری قمری با فتوای علمای وهابی آثار قبور اهل بیت علیهم السلام در بقیع تخریب شد و همه اینها با چماق شرک و عبادت غیر خدا انجام گرفت. از این رو قبل از بررسی دیدگاه وهابیت به تعریف توحید و شرک می‌پردازیم.

### ۲- معتزله را به اختصار معرفی کنید.

جمودگرایی اهل حدیث و عزل عقل از حوزه مباحث کلامی که منجر به پیدایش اندیشه‌های کلامی نادرستی گشت، زمینه را برای پیدایش گروه معارضی به نام معتزله پدید آورد که در عقاید و اندیشه‌های کلامی، بیشتر بر اصول عقلی و مبادی برهانی تکیه داشتند.

این گروه در اوائل قرن دوم ظاهر شدند و در مقایسه با اشاعره که بعد از آنان پدید آمدند، نقاط مثبتی داشتند هر چند به خاطر دوری از مکتب اهل بیت علیهم السلام و رها کردن ثقل اصغر مشکلات فکری و اعتقادی دیگری پیدا کردند.

حیات معتزله را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد :

**الف - دوره پیدایش و تأسیس اصول اعتزال که به‌وسیله «واصل بن عطا» و «عمرو بن عبید» شخصیت اول و دوم معتزله در اواخر عصر اموی آغاز شد .**

**ب - روزگار شکوفایی و دستیابی به قدرت سیاسی که در زمان مأمون به وقوع پیوست. مأمون مسلک اعتزال را به‌عنوان مذهب رسمی حکومتش پذیرفت .**

**ج - دوره انحطاط و ضعف که بعد از پیدایش اشاعره و از زمان متوکل عباسی آغاز شد که مکتب اهل حدیث را مذهب رسمی حکومتش قرار داد و معتزله در زمان او تحت تعقیب قرار گرفتند و از آن به بعد، نور معتزله خاموش و مکتب اشاعره رونق یافت.**

### **۳- با معرفی اشاعره، ویژگی‌های مکتب کلامی اشاعره را به اختصار بنویسید.**

یکی از مکاتب کلامی که در برابر معتزله تأسیس گردید مکتب ابوالحسن اشعری (متولد ۲۶۰ هـ) بود. او ابتدا دارای مذهب اعتزال بود و تا چهل سالگی نزد استادش ابو علی جبائی، مبانی و اصول معتزله را یاد می‌گرفت که ناگهان از این مذهب کناره‌گیری کرد و در مسجد جامع بصره به‌طور علنی از التزام به مذهب معتزله توبه نمود و از مکتب اعتقادی اهل حدیث و احمد بن حنبل هواداری کرد. در مورد علل برگشت اشعری از مکتب معتزله که در زمان مقتدر عباسی صورت گرفت از دو عامل می‌توان نام برد:

۱- رهایی از فشارهایی که از زمان متوکل به بعد بر معتزله آغاز شده بود.

۲- اندیشه اصلاح و بازنگری در عقاید اهل حدیث.

وی با پیوستن به اهل حدیث از هواداران این مکتب شمرده شد و سخنانش مقبول عام و خاص گشت و زمینه برای اصلاحات مورد نظر وی فراهم گردید و توفیق یافت که بسیاری از عقاید و دیدگاه‌های اهل حدیث را اصلاح و تعدیل کند.

هر چند اهل حدیث در ابتدا استقبال شایانی از مکتب کلامی اشعری نکردند، اما بعد از وفاتش روش کلامی وی مورد پسند بسیاری از حنبلی‌ها واقع شد و اندیشه‌هایش بر افکار و اندیشه احمد بن حنبل مقدم گردید و بدین سان با افول پیشوایی احمد در زمینه عقاید و معارف الهی، ابوالحسن اشعری به‌عنوان امام اهل سنت در مسائل کلامی برگزیده شد.

### **ویژگی‌های مکتب کلامی اشاعره**

۱- **توجه به دلایل عقلی:** اشعری در عین اعتماد بر کتاب و سنت به عقل نیز توجه نمود و حتی رساله‌ای به‌نام «استحسان الخوض فی الکلام» نوشت و در آن گفت که یکی از منابع در زمینه مسائل اعتقادی، عقل است.

۲- **مکتبی میانه بین معتزله و اهل حدیث:** با تصرفی که اشعری در مسائل کلامی اهل حدیث انجام داد توانست مکتب معتدلی را پایه‌ریزی کند. به‌عنوان نمونه، اهل حدیث می‌گفتند؛ خداوند واقعاً دارای دست، چشم و صورت است و بر عرش خویش مستقر می‌باشد. اشعری آن را پذیرفت ولی چون پذیرش این صفات مستلزم تشبیه و تجسیم بود که عقل آن را درباره خدا نمی‌پذیرد قید «بلاکیف» و «بلا تشبیه» را اضافه نمود و گفت: خداوند دست دارد، اما بدون کیفیت و تشبیه، یعنی کیفیت دست انسانی را ندارد و شبیه آن نیست.

### ۳- آیا بنا به ادعای اشاعره در قیامت می‌توان خدا را دید؟ منظور چه نوع دیدنی است؟

قبل از اشاعره، امام اهل حدیث، احمد بن حنبل نیز دیده شدن خدا در قیامت را جزو عقاید سلف صالح شمرده و انکار آن را بدعت شمرده است. لازم به ذکر است که مورد بحث آنان، دیدن خدا با چشم حسی و فیزیکی است. در حالی که دلایل عقلی و نقلی که بر جسم نبودن خداوند دلالت دارد، دلیل بر رد این نظریه است.

### ۴- بنیانگذار مکتب کلامی ماتریدیه کیست پیرامون او به اختصار توضیح دهید؟

همان زمانی که ابوالحسن اشعری در عراق علیه معتزله بپا خاست و به ترویج و عقاید اهل حدیث - با اصلاح و تعدیل آن - پرداخت، محمد بن محمد ماتریدی سمرقندی - متولد ۳۳۳ ه - نیز در ناحیه خراسان به شکلی دیگر از مذاهب اهل حدیث حمایت کرد و علیه معتزله تبلیغ نمود هر چند اشعری در فروع فقهی شافعی مذهب و ماتریدی تابع مکتب فقهی ابوحنیفه بود.

### ۵- دو مورد از ویژگی‌های مهم ماتریدیه را بیان کنید.

- ۱- در این مکتب به عقل بهای بیشتری داده شده و شاید ماتریدی در این جهت از روش فقهی ابوحنیفه نیز متأثر شده که در فروع به قیاس و استحسان عمل می‌کرد. از این رو ماتریدیه هر چند بر معتزله حمله کردند، اما به روش کلامی آنان نزدیک‌ترند.
- ۲- ماتریدیه به تنزیه [خدای تعالی از صفات بشری] نزدیک‌تر است تا تشبیه [خدا به بشر] و تجسیم (جسم قائل شدن برای خدای تعالی).

### ۶- پیشینه مرجئه به چه تاریخی بر می‌گردد؟

پس از شهادت علی (ع) و روی کار آمدن بنی امیه، برخی از مردم مسلمان در برابر خوارج - که نه امامت علی (ع) را باور داشتند و نه خلافت معاویه را - ، فرقه تازه‌ای تشکیل دادند که مرجئه خوانده می‌شود. اینان کسانی هستند که معتقدند: اگر انسانی مؤمن باشد، هیچ معصیتی به ایمان او ضرر نمی‌رساند، همان گونه که هیچ طاعتی، کفر کافر را جبران نمی‌کند. بعلاوه آنها می‌گفتند: ایمان قول بدون عمل است. گویا ایشان ایمان را اختیار کرده و عمل را به کناری نهاده‌اند. زیرا معتقد بودند که اگر نماز نخوانند و روزه نگیرند، ایمان آنها را نجات می‌دهد.